



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۵/۰۸

سید حسین هادی

افغانستان؛ بازی حاصل جمع صفر!

جهان و قدرت های پیروز در جنگ جهانی دوم، برای جلوگیری از جنگ دیگر و بازی حاصل جمع صفر، سازمان ملل متحد را بوجود آوردند تا بر اساس اصول مسؤولیت حاکمیت، همگرایی و وابستگی متقابل، که برخی از ایدئولوژی لیبرالیزم می باشد، جهان را اداره کنند. اضلاع متحده امریکا و اروپای غربی، به عنوان حامیان و پشتوانه های این ایدئولوژی؛ سیاست داخلی خود را بر اساس آزادی فرد، حقوق افراد، برابری فرصت و بازی برد_ برد، تدوین و مشخص کردند. اما همین کشورها، برای تصمیم گیری و اعمال سیاست خارجی، از نظریه واقع گرایی استفاده می کنند.

حال پرسش اینجاست؛ که بازیگران، سیاست مداران و صاحبان قدرت در افغانستان، سیاست داخلی خود را چگونه ترسیم نموده و بازی می کنند؟

با نگاهی گذرا در تاریخ سیاست داخلی افغانستان؛ به خوبی پی می بریم، که اکثریت پادشاهان، زمامداران و رؤسای جمهور؛ از فرزندان تیمورشاه تا امان الله خان، از حبیب الله کلکانی تا ظاهر شاه، از داوود خان تا تره کی و نجیب و از حکومت مجاهدین تا امارت اسلامی؛ بر مبنای لشکر کشی، نفی یکدیگر و بازی حاصل جمع صفر بوده است و از این رقابت های خونین، چند روزی نمی گذشت، که بار دیگر جدال و ستیز بر سر قدرت شروع می شد و بازیگران، پیشوایان قوم و سیاست مداران، تمام تلاش خود را برای نبرد و پیکار دیگر با هموطنان آغاز می کردند.

تاریخ گذشته ما بیشتر از این که بر توسعه و پیشرفت، آزادی و برابری، دولت سازی و دیوان سالاری، نهاد گرایی و تدوین و عمل به قانون سپری شود؛ بر اساس رقابت های داخلی، انکار و نیست یکدیگر صورت می گرفت. اما آنچه منجر به تفاوت در سیاست داخلی و بازی بازیگران در گذشته و حال می گردد، افزایش و تعدد بازیگران است. در گذشته پیشوایان قوم، وزیران و پادشاهان و رؤسای جمهور در این رقابت های تلخ شرکت داشتند، اما در حال حاضر، در کنار رئیس جمهور و وزیران، اعضای شورای ملی، قوماندانان، زورمندان و سرمایه داران نیز شرکت می کنند و گاهی برای جلوگیری از زبونی قدرت مند، مردم نیز در این بازی تحریک و سهیم می شوند.

اما آنچه باعث ایجاد مشکل در داخل می شود، روش و نحوه بازی کردن است. سیاست مداران و بازیگران افغان، برای برد مطلق خود و باخت مطلق حریف و رقیب داخلی فکر و تلاش می کنند، که حاصل جمع آن می شود صفر؛ در صورتی که چنین بازی غیر منعطف، سخت و دشوار است، که حتی بازیگران مقتدر در کشورهای قدرتمند نیز

از پیشبرد آن ناتوانند و این نوع بازی را به سود یکدیگر و منافع ملی نمی دانند. سیاستمداران و بازیگران مؤفق، سیاست داخل خود را با قاعده بازی برد_برد، تدوین و فرهنگ سازی می کنند، یا حد اقل بازی انجام می دهند که حاصل جمع آن مضاعف، یا غیر صفر باشد. چرا که این بازیگران؛ هدف شان بازی دادن، فریفتن یا نفی یکدیگر نیست؛ که پایه های ثبات، پیشرفت، خلاقیت، برابری و توسعه در کشور را تخریب کنند، بلکه می خواهند با رقابت های سالم، از یکدیگر پیشی گرفته و برای تأمین امنیت باشندگان و ساکنین (به عنوان ابتدایی ترین حقوق اتباع)، برابری و ایجاد کار و فرصت همگانی؛ به رشد، پیشرفت و رفاه عمومی دست یابند.

اما در افغانستان، جای سیاست داخلی و سیاست خارجی، واژگون و وارونه است. این کشور توسعه نیافته در تعاملات بین المللی، بیشتر تأثیر پذیر است، تا تأثیر گذار؛ به همین دلیل سیاست خارجی خود را بر اساس همگرایی و وابستگی تدوین و تعقیب می کند، ولی در طرح و برنامه سیاست داخلی خود؛ سیاست بازی حاصل جمع صفر یا انسان، گرگ انسان است را دنبال می کند. این چنین سیاست داخلی که چندین دهه در افغانستان وجود دارد، این کشور را به میدان جنگ های داخلی ناتمام از یک سو و از سوی دیگر به رقابت و جدال های نیابتی و مستقیم قدرت های بزرگ و همسایگان تبدیل کرده است.

انفجار و حملات انتحاری دوم ثور در کابل و ننگرهار، و بار دیگر دهم ثور در ننگرهار و کابل و قتل و کشتار همه روزه غیر نظامیان در ولایات مختلف افغانستان، بخشی از این جدال ناپخته و نا تمام داخلی است که حاصل جمع آن صفر می باشد. در این کشور، رقابت ها، پای مردم را نیز به بهانه های قوم، نژاد، سمت، زبان و مذهب به میدان کشیده است و این گروه از مردم؛ همراه با سیاستمداران، رهبران سیاسی، سرمایه داران، معلمین و محصلین؛ یکجا، هم صدا و هم گام، با دنبال کردن قاعد نفع و بُرد مطلق برای خودشان؛ زمینه حذف فیزیکی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هموطنان، مردم و در نهایت خودشان را فراهم می آورند.

با وجود این که بارها از زبان رهبران حکومت، سیاست مداران و مردم شنیده می شود که از جنگ خسته، بی قرار و دوری می جویند، اما این طور نیست؛ چرا که در تحولات سیاسی، انتخابات و استیضاح وزیران، ساختار و فرآیند تصمیم گیری بر اساس مصلحت و منافع شخصی و گروهی اتخاذ می شود، تا بر مبنای نیازمندی ها، ضرورت ها و منافع ملی. بنا بر این، برای جلوگیری از کشتار و قتل عام های همیشگی غیر نظامیان و حتی نظامیان مظلوم، باید قاعده بازیگران از بازی حاصل جمع صفر و برد مطلق و نابودی دیگری؛ به بُرد - بُرد یا حاصل جمع غیر صفر، تغییر یابد. چرا که بازی با قاعده حاصل جمع صفر، برای بازیگران قدرتمند منطقه ای و بین المللی، این فرصت را بیشتر از بازیگران افغان، فراهم و مساعد می سازد، که به نفع خود بازی کرده و با گل آلود کردن آب، ماهی خود را برداشت کنند.

قاعده بازی را می توان با افزایش سطح اطلاعات و آگاهی مردم؛ آموزش، تعلیم و تربیت فرزندان این سرزمین و فرهنگ صلح و تعمیم آن؛ تغییر داد. آنچه در شرایط فعلی بسیار مهم است، افزایش سطح اطلاعات، آگاهی و شناخت

مردم از نحوه زندگانی و مشارکت در ساختار و فرآیند (۱) تصمیم‌گیری در جامعه می‌باشد و باید توجه داشت که این آموزش و آگاهی دهی به صورت برابر در تمام نقاط کشور صورت گیرد، چرا که مردم از حق و حقوق مساوی از منظر انسانی و اسلامی برخوردارند. پس این مردم است که حاکمیت مطلق را در جامعه بر عهده دارند و باید در امر آگاهی و شناخت از حقوق خود و نحوه مشارکت در کشور اطلاعات داشته باشند تا با اراده و شناخت بهتر، در مورد سرنوشت خود و کشور تصمیم بگیرند.

اسلام نیز حاکمیت انسان‌ها بر سرنوشت خویش را در آیه ۱۱ سوره رعد به رسمیت شناخته است و از نظر غرب نیز شاخص دموکراسی، در شیوه انتخابات و تکثرگرایی؛ کارایی دولت؛ مشارکت سیاسی؛ فرهنگ سیاسی؛ و آزادی‌های مدنی ارزیابی می‌شود (<http://yon.ir/S^yHI>)، که زیربنای آن توسط مردم شکل و صورت می‌گیرد. این مهم (افزایش سطح اطلاعات و آگاهی مردم)، بر عهده دولت، علمای راستین و واقعی و رسانه‌ها می‌باشد که با آموزش و برنامه‌های فراگیر و جامع، قاعده بازی را از حاصل جمع صفر تغییر داده و زمینه امنیت، ثبات و توسعه را در افغانستان ایجاد کنند.

آموزش، تعلیم و تربیت فرزندان؛ به عنوان آینده‌سازان این سرزمین نیز از اهمیت بسیار بالا و حیاتی برخوردار است. چرا که آینده این کشور در صنف‌های آموزش و درس امروز ساخته می‌شود و این فرصت برابر، باید برای تمام کودکان، نوجوانان و جوانان این مرز و بوم مساعد شود. اطفال و نوجوانان فاریابی، بامیانی، بدخشانی و قندهاری؛ در این امر مهم، از نقش یکسان و مساوی با تمام نقاط این سرزمین منتعم است، و ضعف و کم‌کاری حتی در یک قریه این سرزمین، می‌تواند منجر به ناتوانایی بخش وسیعی از این کشور گردد. اگر در این دو مورد (افزایش سطح اطلاعات و آگاهی مردم؛ و آموزش، تعلیم و تربیت فرزندان این سرزمین) ممکن شود، قاعده بازی حاصل جمع صفر نیز تغییر می‌کند و فرهنگ صلح و تعمیم آن نیز با کمترین مصرف و زمان، توسط مردم در تمام نقاط این سرزمین گسترش و به صورت بنیادی ایجاد خواهد شد.



۱- "فرآیند" کلمه جدیدی است که از ایران و فارسی ایران داخل افغانستان شده است. ما در زبان دری برای این کلمه (روند) و (مراحل) و می‌گوئیم. مراد از مجموعه عملیات و مراحل لازم برای رسیدن به یک هدف مشخص است. در زبان‌های اروپایی آنرا پروسیسیوس گویند (processus) در زبان دری افغانستان برای این کلمه از اصطلاحات (پروسه) و (جریان) هم استفاده می‌شود. ولی اصطلاح (فرآیند) کاملاً نامفهوم و نامعمول است. (اداره)